



بررسی تأثیر دوره های آموزشی - ترویجی بر بهبود دانش، نگرش و رفتار گندمکاران در

خصوص امنیت غذایی؛ مورد مطالعه: شمال خوزستان

کبری شبانی^{۱*}، منصور غنیان^۲، مسعود برادران^۳، بهمن خسروی پور^۴، نوشین زندی سوهانی^۵

۱- دانش آموخته مهندسی ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان

۲ و ۳-۴- اعضاء هیئت علمی گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان

۵- عضو هیئت علمی گروه گیاهپزشکی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان

چکیده

بدون شک مهمترین بخش در تأمین امنیت غذایی، بخش کشاورزی است و این مسئولیت خطیر بیش از هر چیز بر دوش تولیدکنندگان این بخش است. نکته قابل توجه اینکه قبل از هر چیز باید دانش تولیدکننده در این خصوص افزایش یابد تا به تبع آن تغییرات لازمه در نگرش و رفتار آنان بروز دهد. در این خصوص یکی از طرق افزایش دانش کشاورزان، برگزاری دوره های آموزشی- ترویجی در زمینه امنیت غذایی است که هدف مطالعه حاضر است. این پژوهش از لحاظ هدف، پژوهشی کاربردی و از لحاظ روش تحقیق، پیمایشی بوده است. جامعه آماری تحقیق را ۲۵۴۳۵ نفر از گندمکاران سه منطقه شوش، شوشتر و دزفول استان خوزستان که در حقیقت قطب شمال این استان می باشند تشکیل می داد. حجم نمونه آماری بر اساس جدول تاکنم ۳۷۹ کشاورز برآورد شد. که در نهایت ۲۳۷ پرسشنامه جمع آوری گردید. روش نمونه گیری در این تحقیق "تصادفی ساده" است. جهت تعیین روایی پرسشنامه، از نظرات اعضاء هیأت علمی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان، مهندسان ناظر گندم و کشاورزان گندمکار استفاده شد و پس از اصلاحات لازم بر روی پرسشنامه، قابلیت اندازه گیری محتوا و خصوصیات مورد نظر توسط پرسشنامه تأیید گردید. مقیاس مورد استفاده گاتمن (طیف ۱۰-۰) بوده. برای تعیین میزان اعتماد ابزار اندازه گیری از آزمون آلفای کرونباخ برای ۳۰ پرسشنامه که در منطقه شوشتر تکمیل شده بودند و با استفاده از نرم افزار SPSSwin16 بهره گرفته شد که میزان آلفای کرونباخ در حد قابل قبول بود. پس از تکمیل شدن پرسشنامه، کد گذاری اطلاعات پرسشنامه انجام گرفت و توصیف و تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزارهای آماری SPSS win16 صورت پذیرفت. نتایج نشان داد، استقبال کشاورزان از کلاس های مرتبط با کمیت بیش از کلاس های مرتبط با سلامت محصول بوده همچنین با توجه به یافته های حاصل از تحقیق، شرکت در دوره های آموزشی- ترویجی نتوانسته در دانش، نگرش و رفتار کشاورزان در خصوص امنیت غذایی تفاوت آماری معنادار ایجاد نماید.

واژه های کلیدی: دوره های آموزشی ترویجی، دانش، امنیت غذایی، گندم، خوزستان



مقدمه

امنیت غذایی چالش دیرینه کشاورزی در بسیاری از کشورهای جهان سوم از جمله ایران است که تابع دو عامل، رشد فزاینده جمعیت و روند تولید محصولات غذایی، می باشد. ایران با داشتن شرایط اقلیمی خشک و نیمه خشک، برای تأمین امنیت غذایی و پاسخگویی به نیازهای جمعیت خود نیاز به یک مدیریت کارآمد دارد تا بتواند دانش، فناوری و فنون مؤثر بر شرایط اقلیمی هر منطقه را ساماندهی کند و در راستای توسعه کشاورزی، افزایش تولید، توزیع مناسب مواد غذایی و در نهایت دستیابی به امنیت غذایی گام بردارد (شاه ولی و لاچینی، ۱۳۸۶). نظر به این که بخش کشاورزی به عنوان بخش تأمین کننده امنیت غذایی و حفظ پایداری سلامت محیط زیست همواره بخش راهبردی اقتصاد کشورها محسوب شده است (هزاری و حاجی میررحیمی، ۱۳۸۹) به منظور نیل به امنیت غذایی علاوه بر اتخاذ سیاست های مطلوب و برخورداری از منابع کافی باید تولید کشاورزی به گونه ای باشد که تمامی نیازهای جامعه را برآورد کند (صفایی، ۱۳۸۸). مسلم آن که جامعه بشری به منظور تأمین غذا، تأمین آب و ... به کشاورزی، که بستر حیات شمرده می شود نیازمند است. به عبارتی بهتر، کشاورزی یگانه مرجعی است که می توان با استناد به آن و با بهره گیری هوشمندانه از منابع طبیعی و بکار گیری صحیح آن در مسیر تولید گام برداشت و چرخ توسعه کشور را به حرکت درآورد و آنچه که می توان با آن جهان را تسخیر کرد توانایی در تولید غذای خود و دیگران و به دست گرفتن این ابزار مهم قدرت است. اما متأسفانه فعالیت های ناپایدار انسانی بر اثر ناآگاهی یا آگاهی نادرست می تواند به تخریب شدید منابع بخش کشاورزی و هدر رفت این منابع ملی منتهی شود (خوشنودی فر و اسدی، ۱۳۸۹). به عبارت دیگر، افزایش تولیدات کشاورزی در کشورهای توسعه یافته پیش از آن که ناشی از سرمایه های غیرانسانی (ماشین آلات، کود و...) باشد مرهون نیروی کارگر ماهر و ورزیده در بخش کشاورزی است (امیری اردکانی، ۱۳۸۸). بررسی روند افزایش جمعیت جهان در طول تمدن بشری نشان می دهد جمعیت جهان از ۶ میلیارد نفر در سال ۱۹۹۸ با نسبت ۱/۸ درصد در هر سال رو به افزایش است و انتظار می رود در سال ۲۰۲۵ به ۸ میلیارد و در سال ۲۰۵۰ به ۹/۴ میلیارد نفر برسد. از طرف دیگر، میزان نیاز جهانی به غذا در طول سال های ۲۰۳۰-۱۹۹۰ دو برابر شده و انتظار می رود در کشورهای جهان سوم حدود ۲/۵ تا ۳ برابر افزایش یابد. در حال حاضر حدود ۸۰۰ میلیون نفر از انسان ها در آفریقا و آسیا تحت شرایط سوءتغذیه قرار دارند. در جریان توسعه بخش کشاورزی به دلیل افزایش روز افزون جمعیت و محدودیت منابع، لزوم استفاده بهینه از منابع و ارتقای بهره وری عوامل تولید از اهمیت فراوانی برخوردار است تا بدین وسیله بخش کشاورزی علاوه بر پاسخگویی به نیازهای روزافزون محصولات غذایی، بتواند سایر وظایف خود را در جریان توسعه پایدار به خوبی انجام دهد (خوشنودی فر و اسدی، ۱۳۸۹). همچنانکه کشاورزان بخش مهمی از جمعیت کشورهای در حال توسعه را تشکیل می دهند آموزش آنان دارای فواید قابل توجه و اثرات اقتصادی چشمگیری می باشد. نقش آموزش در ارتقا و بهبود کیفیت نیروی انسانی و تأثیر اقتصادی آن یعنی افزایش بهره وری و تولید، غیر قابل انکار است (بیژنی و همکاران، ۱۳۸۷).

نجفی (۱۳۷۲)، در تحقیق خود با عنوان "تلفیق خدمات رسانی با ترویج، مطالعه موردی طرح محوری گندم در استان فارس" نقش سطح دانش فنی و کاربرد آن و تأثیر این دو عامل را در افزایش عملکرد در واحد سطح نشان داده و اعلام داشته است این امر در نتیجه پذیرش دانش و تلفیق خدمات نهاده ای با ترویج محقق می گردد و عاملی که بیش از همه بر افزایش عملکرد گندم تأثیر داشته، آموزش زارعان بوده است.

اسداله پور (۱۳۸۵)، در مطالعه خود با عنوان "ارزیابی دوره های آموزشی دامداران: مورد استان مازندران" به این نتیجه دست یافت که برگزاری دوره های آموزشی در زمینه های گوناگون یکی از راههای عملی مؤثر در ارتقاء سطح دانش و رفتارهای روستائیان است. در صورتی که محتوای این دوره ها متناسب با نیازهای واقعی شرکت کنندگان باشد، می تواند در افزایش تولیدات و نهایتاً بهبود کیفیت زندگی آن ها مؤثر گردد.

بیرجندی (۱۳۸۵)، در مطالعه خود که با هدف بررسی نقش آموزش های ترویجی به گندمکاران در کاهش ضایعات گندم و دستیابی به امنیت غذایی انجام داده بود به این نتیجه دست یافت که اگرچه استفاده از شیوه های نادرست کاشت، داشت و برداشت باعث افزایش ضایعات و کاهش کیفیت و کمیت محصول شده اما ترویج کشاورزی با توسعه برنامه های آموزشی برای



گندمکاران در زمینه استفاده از شیوه های صحیح کاشت، داشت و برداشت گندم موجب ارتقاء سطح مدیریت مزرعه، بهبود کیفیت محصول، حفظ منابع، کاهش هزینه تولید، افزایش درآمد کشاورزان، کاهش ضایعات و در نتیجه افزایش تولید و رسیدن به خودکفایی و پایداری در آن را فراهم می نماید.

اسمعیلی و قناعت (۱۳۸۶)، در پژوهش خود با عنوان "اثربخشی کلاس های آموزشی-ترویجی در کاهش میزان ضایعات برداشت گندم از دیدگاه زنان روستایی شهرستان گرمسار" به این نتیجه رسیدند که بیشتر زنان روستایی گرمسار از کلاس های برداشت گندم بهره برده اند و مهم ترین عامل عدم شرکت آنان در این گونه کلاس ها، زمان نامناسب تشکیل کلاس هاست. همچنین بحث گروهی و سمینار را بهترین شیوه آموزشی و میزان آگاهی کسب شده از این کلاس ها را زیاد تا خیلی زیاد ارزیابی کرده اند.

اقتداری و میردامادی (۱۳۸۶)، مطالعه ای در رابطه با نقش آموزشهای ترویجی بر توانمندسازی گندم کاران درباره توسعه پایدار کشت گندم (مطالعه موردی گندمکاران شهرستان کرمانشاه) انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که متغیرهای سطح تحصیلات، دفعات تماس با مهندسان ناظر، متغیر میزان توانمندی گندمکاران درباره توسعه پایدار کشت گندم رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

آدسینا و همکاران^۲ (۱۹۹۳)، در پژوهش خود با عنوان "ویژگی تکنولوژی، ادراک کشاورزان، تصمیم پذیرش: کاربرد مدل تابیت^۳ در سیرالون" دریافته اند، سطح آموزش، میزان تجربه کشاورزی کشاورز با دانش آنان رابطه مستقیم دارد. عمانی و همکاران^۴ (۲۰۰۹)، در پژوهش خود با عنوان "مدل مناسب پیش بینی پذیرش کشاورزان مدیریت پایدار منابع آب زراعی در بین گندمکاران شهرستان اهواز" دریافته اند بین میزان شرکت در فعالیت های آموزشی و پایداری کشاورزی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

فقدان آموزش جهت افزایش دانش کشاورزی و تغذیه می تواند بر توان سازگاری کشاورزان با تغییرات و مقابله با استرس های تولید غذا اثرگذار باشد. افزایش آموزش می تواند دانش در زمینه روش های کشاورزی ارگانیک و رفتار کشاورزان را جهت بهبود مستقیم در سلامتی فردی و اجتماعی، افزایش بازده غذا و دسترسی به غذا افزایش دهد (برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد، ۲۰۰۸). چرا که برنامه های آموزشی ترویجی در زمینه استفاده از شیوه های صحیح کاشت، داشت و برداشت محصولات موجبات ارتقاء سطح مدیریت مزرعه، بهبود کیفیت محصولات، حفظ منابع، کاهش هزینه تولید، افزایش درآمد کشاورزان، کاهش ضایعات و در نتیجه افزایش تولید و رسیدن به خودکفایی و پایداری در آن را فراهم می نماید (بیرجندی، ۱۳۸۵). در این راستا، پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر دوره های آموزشی- ترویجی بر بهبود دانش، نگرش و رفتار گندمکاران در خصوص امنیت غذایی انجام گرفته است.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، از لحاظ هدف، پژوهشی کاربردی و از لحاظ روش تحقیق، پیمایشی بوده است. جامعه آماری تحقیق را ۲۵۴۳۵ نفر از گندمکاران سه منطقه شوش، شوشتر و دزفول استان خوزستان که در حقیقت قطب شمال این استان می باشند تشکیل می داد. حجم نمونه آماری بر اساس جدول تاکنم و جدول مورگان ۳۷۹ کشاورز برآورد شد. که در نهایت ۲۳۷ پرسشنامه جمع آوری گردید. روش نمونه گیری در این تحقیق "تصادفی ساده" است. جهت تعیین روایی پرسشنامه، از نظرات اعضاء هیأت علمی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان (گروه های ترویج، گیاهپزشکی و زراعت)، مهندسان ناظر گندم و کشاورزان گندمکار استفاده شد و پس از اصلاحات لازم بر روی پرسشنامه، قابلیت اندازه گیری محتوا و خصوصیات مورد نظر

² - Adesina et al

³ - Tobit

⁴ - Ommanni et al



توسط پرسشنامه تأیید گردید. مقیاس مورد استفاده گاتمن (طیف ۱۰-۰) بوده. برای تعیین میزان اعتماد ابزار اندازه گیری از آزمون آلفای کرونباخ برای ۳۰ پرسشنامه که در منطقه شوشتر تکمیل شده بودند و با استفاده از نرم افزار SPSS win16 بهره گرفته شد که میزان آلفای کرونباخ در حد قابل قبول (بالای ۷۰ درصد) بود. پس از تکمیل شدن پرسشنامه، کد گذاری اطلاعات پرسشنامه انجام گرفت و توصیف و تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزارهای آماری SPSS win16 صورت پذیرفت. جهت تجزیه تحلیل داده ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است.

نتایج

الف- ویژگی های فردی و حرفه ای

نتایج حاصل از بررسی ویژگی های فردی گندمکاران مورد مطالعه نشان داد، بیشتر کشاورزان مورد مطالعه در رده سنی ۳۳ تا ۵۳ سال قرار داشته و کمترین فراوانی مربوط به گروه سنی بیشتر از ۵۳ سال می باشد. بیشترین فراوانی (۴۳/۵ درصد) مربوط به کشاورزانی است که دارای تحصیلات سیکل و کمتر از سیکل بوده و کمترین فراوانی مربوط به کشاورزان با سطح تحصیلات فوق دیپلم بوده است. کمترین سابقه کشت گندم ۱ سال و بیشترین سابقه کشت ۵۰ سال بوده و بیشترین جمعیت مورد مطالعه متعلق به کسانی است که بین ۹ تا ۲۹ سال سابقه کشت گندم داشتند. ۴۷/۷ درصد کشاورزان مورد مطالعه از رهبران محلی، ۳۶/۳ درصد مشورت با کارشناسان و تنها ۶/۳ درصد آنان کتاب و مجلات را به عنوان کانال ارتباطی مورد استفاده خود انتخاب کردند.

ب- توزیع فراوانی کشاورزان بر اساس شرکت در کلاس های آموزشی - ترویجی

جدول (۱)، توزیع فراوانی کشاورزان بر اساس شرکت در کلاس های آموزشی - ترویجی را نشان می دهد، همانگونه که ملاحظه می گردد، کلاس آموزشی معرفی سیستم های آبیاری (فراوانی ۵۷ نفر)، نحوه کار و تنظیم ادوات کشاورزی (فراوانی ۴۰ نفر)، شناسایی علف های هرز (فراوانی ۳۷ نفر)، بیشترین شرکت کنندگان و کلاس های آموزشی نحوه کنترل آفات (فراوانی ۲۲ نفر) و نحوه بکارگیری سموم (فراوانی ۲۰ نفر)، کمترین شرکت کنندگان را به خود اختصاص داده بودند. این در حالی است که بخش اعظمی از خساراتی که امنیت غذایی گندم را تهدید می کند مربوط به بکارگیری نادرست در میزان سموم است. علاوه بر این آفات نیز خسارات جبران ناپذیری بر محصول چه به لحاظ کمی و چه به لحاظ کیفی وارد می سازد تا آنجا که تأثیرات آن در فراورده های حاصله نیز رخ می نمایند. از این نتایج چنین برمی آید که استقبال کشاورزان از کلاس های مرتبط با تولید سالم کمتر بوده است و بیشترین تمایل به شرکت در کلاس هایی داشته اند که نتیجه آن را در کوتاه مدت رؤیت نمایند.

جدول ۱. توزیع فراوانی کشاورزان مورد مطالعه بر اساس شرکت در کلاس های آموزشی - ترویجی

ردیف	عنوان کلاس برگزار شده	شرکت	فراوانی	درصد
۱	معرفی سیستم های آبیاری		57	۲۴/۱
۲	نحوه کار و تنظیم ادوات کشاورزی		40	۱۶/۹
۳	شناسایی علف های هرز		37	۱۵/۶
۴	نحوه استفاده از سمپاش ها		28	۱۱/۸
۵	نحوه تهیه زمین		25	۱۰/۵
۶	کنترل آفات		22	۹/۳



۸/۴	20	۷ نحوه بکارگیری سموم
۳/۴	۸	۸ عدم شرکت در هیچ یک از دوره ها
۱۰۰	۲۳۷	جمع

ج- توزیع فراوانی کشاورزان مورد مطالعه بر اساس تعداد کلاس های شرکت کرده

یافته های جدول (۲)، نشان می دهد، ۵۴/۹ درصد (۱۳۰ نفر) از پاسخگویان در سه دوره آموزشی و کمتر از سه دوره شرکت نموده و ۴۵/۱ درصد (۱۰۷ نفر) آنان در بیش از ۳ دوره آموزشی حضور داشته اند. این مسئله نشان از آن دارد که کلاس های آموزشی- ترویجی آنچنان که شایسته است نتوانسته جایگاه خود را دریابد و کشاورزان به جای شرکت در کلاس های آموزشی ترجیح می دهند از تجربیات رهبران محلی استفاده کنند.

جدول ۲ توزیع فراوانی کشاورزان مورد مطالعه بر اساس تعداد کلاس های شرکت کرده

تعداد دوره آموزشی	فراوانی	درصد
۳ کلاس و کمتر آن	۱۳۰	۵۴/۹
بیش از ۳ کلاس	۱۰۷	۴۵/۱
جمع	۲۳۷	۱۰۰

د- اولویت بندی میزان تأثیر کلاس های آموزشی- ترویجی در بهبود دانش، بینش و رفتار

کشاورزان در خصوص امنیت غذایی از دیدگاه گندمکاران مورد مطالعه

مطابق یافته های جدول (۳)، نتایج حاصل از اولویت بندی نشان داد کلاس های آموزشی- ترویجی نحوه استفاده از سموم، ارایه توصیه های کودی، تعیین زمان و مقدار دقیق کود سرک اولویت های اول تا سوم و کلاس های معرفی علف های هرز، نحوه مبارزه با علف های هرز و سیستم های آبیاری اولویت های آخر را به خود اختصاص دادند. یافته ها حاکی از آن است که گندمکاران منطقه استفاده نادرست از سموم و کودها (از لحاظ مقدار و زمان مصرف)، را به عنوان عواملی که تهدیدکننده امنیت غذایی محصول است تلقی کرده و کلاس های آموزشی- ترویجی را ابزاری مناسب جهت بهبود دانش، نگرش و رفتار کشاورزان در خصوص امنیت غذایی می دانند. اما این کلاس ها نتوانسته اعتماد آنان را به خود جلب کند و هنوز کشاورزان ترجیح می دهند از رهبران محلی کمک گرفته و از کلاس های آموزشی (مطابق یافته های جدول ۲) و مشاوره های کارشناسان (مطابق یافته های نتایج حاصل از بررسی ویژگی های فردی و حرفه ای) استقبال کمتری نمایند.

جدول ۳ اولویت بندی میزان تأثیر کلاس های آموزشی- ترویجی در بهبود دانش، نگرش و رفتار کشاورزان در خصوص امنیت غذایی

گویه ها	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
نحوه استفاده از سموم	۷/۵۴	۲/۴۰	۰/۳۱
ارایه توصیه های کودی	۷/۶۷	۲/۵۵	۰/۳۳
تعیین زمان و مقدار دقیق کود سرک	۷/۷۴	۲/۵۷	۰/۳۳
تعیین تاریخ کاشت	۷/۹۰	۲/۶۴۰	۰/۳۳



۰/۳۳	۲/۶۴	۷/۹۵	نحوه انتخاب نوع رقم مناسب
۰/۳۴	۲/۵۹	۷/۵۴	نحوه مبارزه با آفات و بیماری ها
۰/۳۴	۲/۶۷۰	۷/۸۵	نحوه تهیه زمین
۰/۳۶	۲/۷۴	۷/۴۶	معرفی آفات و امراض
۰/۳۶	۲/۸۲	۷/۶۶	نحوه کار با کمباین
۰/۳۷	۲/۸۹	۷/۷۷	تعیین زمان برداشت
۰/۳۸	۲/۹۴	۷/۵۵	معرفی ادوات شخم زنی
۰/۳۹	۲/۸۶	۷/۳۰	معرفی علف های هرز
۰/۴۰	۲/۹۷	۷/۴۰	نحوه مبارزه با علف های هرز
۰/۴۴	۳/۰۵	۶/۹۲	معرفی سیستم های آبیاری

۵- مقایسه میانگین دانش، نگرش و رفتار پاسخگویان در خصوص امنیت غذایی بر حسب شرکت

در دوره های آموزشی

همانگونه که نتایج جدول (۴)، نیز نشان می دهد، بین میانگین دانش کشاورزان بر حسب تعداد دوره های آموزشی شرکت کرده هیچگونه تفاوت آماری معنادار وجود ندارد. این نتیجه با نتایج اسداله پور (۱۳۸۵) و اسمعیلی و قناعت (۱۳۸۶) مغایرت دارد. بین میانگین نگرش کشاورزان بر حسب تعداد دوره های آموزشی شرکت کرده هیچگونه تفاوت آماری معنادار وجود ندارد. همچنین یافته ها نشان داد، بین میانگین رفتار کشاورزان بر حسب تعداد دوره های آموزشی شرکت کرده هیچگونه تفاوت آماری معنادار وجود ندارد. این نتیجه با نتیجه تحقیق اسداله پور (۱۳۸۵) مغایرت دارد. به بیان دیگر، استقبال کم کشاورزان از دوره های آموزشی برگزار شده نتوانسته این امکان را برای آموزش های ارائه شده فراهم نماید که تغییرات لازمه در دانش، نگرش و رفتار آنان در خصوص امنیت غذایی ایجاد شود.

جدول ۴ مقایسه میانگین دانش، نگرش و رفتار پاسخگویان در خصوص امنیت غذایی بر حسب شرکت در دوره های آموزشی

متغیر	دانش در خصوص امنیت غذایی		نگرش در خصوص امنیت غذایی		رفتار در خصوص امنیت غذایی	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
شرکت در دوره های آموزشی	شرکت در ۳ کلاس و کمتر (n=۱۳۰)		190/57		262/30	
	شرکت < ۳ کلاس (n=۱۰۷)		190/17		271/83	
	312/26		0/102		0/942	
	321/88		1/77			

••: معنی داری با اطمینان ۰/۹۹

•: معنی داری با اطمینان ۰/۹۵

بحث

امنیت غذایی چالش بسیاری از کشورهای در حال توسعه بالاخص کشور ما، ایران است. از سوی دیگر، هنگام بحث در مورد این پدیده بزرگ و حیاتی قسمت اعظم توجهات به بخش کشاورزی معطوف می گردد چرا که غالب نیاز غذایی انسان توسط این بخش تأمین می گردد. به همین دلیل کشاورزی مهم ترین بخش و کشاورزان مؤثرترین نقش را در تحقق امنیت غذایی ایفاگر می باشند. مسلم آنکه زمانی امنیت غذایی دست یافتنی است که کشاورزان در وهله نخست به این پدیده و اهمیت آن در جسم و روان آگاه و در وهله دوم به راه های ارتقاء این پدیده واقف گردند. در این میان یکی از گزینه هایی که می تواند نقش بسزایی در



افزایش آگاهی های کشاورزان در این زمینه داشته باشد، برگزاری دوره های آموزشی- ترویجی است. در مقابل باید پذیرای این مسئله نیز بود که این دوره ها نتوانسته آنگونه که باید و شاید جایگاه خود را دریابد. همچنانکه یافته ها نیز نشانگر این بوده که کشاورزان، مراجعه به رهبران محلی را بر شرکت در دوره های آموزشی- ترویجی و استفاده از مشاوره های کارشناسان ارجح می دانند که این خود، نوعی بی اعتمادی کشاورزان به مروجان و آموزش های ارائه شده توسط آنان را گوشزد می کند. به بیان دیگر، کشاورز معتقد است که دوره های آموزشی- ترویجی ارائه شده بیش از آنچه تلاش دارد می تواند در بهبود دانش، نگرش و رفتار در خصوص امنیت غذایی تأثیرگذار باشد. و از توانایی این دوره ها آنطور که باید استفاده نمی گردد.

در این راستا، پیشنهادهای زیر تقویت برونداد آموزش های ارائه شده مطرح می گردند.

- با توجه به اینکه امنیت غذایی چالش دیرینه بخش کشاورزی است و همچنین نظر به اهمیت موضوع امنیت غذایی و تأثیرات آن بر سلامت جسم و روان توصیه می گردد، کلاس ها و دوره های آموزشی در این خصوص افزایش یابد؛

- نظر به استقبال کم رنگ کشاورزان از دوره های آموزشی- ترویجی توصیه می گردد، در شیوه برگزاری دوره ها چه به لحاظ تدریس (استفاده از روش های کاربردی تر مثل روش های مدرسه در مزرعه و ... به جای شیوه آموزش و سنتی) و چه به لحاظ محتوای ارائه شده (مطالب مرتبط با نیاز و منطقه کشاورز به جای مطالب تکراری و غیر قابل کاربرد در شرایط عملی) تجدیدنظر گردد؛

- با عنایت به اینکه رهبران محلی جایگاه ویژه ای برای کشاورزان منطقه داشته اند و این موضوع در میزان استقبال آنان از دوره های برگزار شده بی تأثیر نبوده پیشنهاد می گردد، کانون نخبگان (کانونی متشکل از رهبران محلی و کشاورزان پیشرو) در منطقه تشکیل گردد و به کمک این کانون اعتماد سایر کشاورزان را به این استقبال از این کلاس ها جلب نمود؛

- با توجه به اینکه کشاورزان به خوبی واقفند که دوره های آموزشی- ترویجی ارائه شده می تواند دانش، نگرش و رفتار کشاورزان را در خصوص امنیت غذایی بهبود دهد ولی این دوره ها نتوانسته آنگونه که باید در این راستا ایفاگر نقش شایسته خود باشد، توصیه می گردد از رهبران محلی و کشاورزان پیشرو در جریان تدریس بهره گرفته شود؛

- نظر به استقبال کم رنگ تر کشاورزان از کلاس های مرتبط با سلامت محصول، پیشنهاد می گردد، از حضور و تجربیات کشاورزانی که به روش ارگانیک کشت کرده اند در دوره های آموزشی- ترویجی یاری گرفت.

منابع

۱- اسدالله پور، ع. ۱۳۸۵. ارزیابی دوره های آموزشی دامداران: مورد استان مازندران. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران،

جلد ۲، شماره ۲، صص: ۹۹-۱۱۰.

۲- امیری اردکانی، م. ۱۳۸۸. مدارس مزرعه ای کشاورزی (رهیافتی بدیل در ترویج کشاورزی).

۳- اسمعیلی، س و قناعت، ن. ۱۳۸۶. اثر بخشی کلاسهای آموزشی - ترویجی در کاهش میزان ضایعات برداشت گندم از

دیدگاه زنان روستایی شهرستان گرمسار. جهاد (ترویج کشاورزی و توسعه روستایی) « مهر و آبان ۱۳۸۶ - شماره ۲۷۹،

صص: ۳۰-۸.

۴- اقتداری، ن و میردامادی، م. ۱۳۸۶. بررسی نقش آموزشهای ترویجی در توانمندسازی گندمکاران در توسعه پایدار

کشت گندم. مجله جهاد، سال ۲۷، شماره ۲۸۰، صص ۱۹-۸.



- ۵- بیرجندی، و. ۱۳۸۵. بررسی نقش آموزش های ترویجی به گندمکاران در کاهش ضایعات گندم و دستیابی به امنیت غذایی.
- ۶- بیژنی، م، ملک محمدی، ا و یزدانی، س. ۱۳۸۷. ارزشیابی اثربخشی و بهره وری فعالیت های ترویج کشاورزی در طرح محوری گندم در شهرستان های شیراز و مرودشت استان فارس. مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۴، شماره ۲. صص: ۶۸-۷۸.
- ۷- خشنودی فر، ز و اسدی، ع. ۱۳۸۹. بررسی عوامل مؤثر بر رفتار ارتباطی گندمکاران استان مرکزی در ارتباط با مدیریت ضایعات گندم. پژوهش های ترویج و آموزش کشاورزی، سال دوم، شماره ۴. صص: ۹۰-۷۵.
- ۸- شاه ولی، م و لاجینی، ز. ۱۳۸۶. بررسی مدیریت دانش ضمنی امنیت غذایی با تأکید بر سازمان جهاد کشاورزی استان فارس. فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۱.
- ۹- صفایی، م. ۱۳۸۸. بانک کشاورزی نقش قابل توجهی در تأمین امنیت غذایی کشور دارد. ماهنامه خبری، تحلیلی، پژوهشی سبزینه، سال ۴، شماره ۳۲. ص: ۲۶.
- 10- Adesina, A. and M. Zinnah 1993. Technology characteristics, farmers perceptions and adoption decision: A Tobit model application in sierra Leon. *Agricultural Economics*. Vol. 9, no. 4, Pp:297-311.
- 11- Ommani, A.R., Chizari, M., Salmanzade, C., And J.F, Hossaini. 2009. Predicting adoption behavior of farmers regarding on-Farm sustainable water resources management (SWRM): Comparison of Models- *Journal of sustainable Agriculture*, 33 (5).Pp:595-616.
- 12- United Nation conference on Trade and Development United Nations Environment Programme (UNEP). 2008. *Organic Agricultural and Food security in Africa*. United Nations New York and Geneva. Pp: 1-47.



Effect of training - promoting the improvement of knowledge, attitudes and behavior wheatfarmers with regard to food security, Case study: the Northern Khuzestan province

Kobra shabani^{*1}, Mansour Ghaniaan², Massoud Baradaran³, Bahman Khosravipour⁴,
Nooshin Zandisohani⁵

¹Graduated MSc Department of Agricultural Extension and Education, Khuzestan Ramin University of Agriculture and Natural Resources, ²Assistant Professor Khuzestan Ramin University of Agriculture and Natural Resources, ³Associate Professor, Khuzestan Ramin University of Agriculture and Natural Resources, ⁴Associate Professor, Khuzestan Ramin University of Agriculture and Natural Resources, ⁵Assistant Professor Khuzestan Ramin University of Agriculture and Natural Resources

Abstract

Undoubtedly the most important part in the food security is agriculture sector and this great responsibility is on the shoulders of producers in this sector. the important point is that Before anything producers knowledge Should be increased until necessary changes in their behavior and attitude occur Subsequently. In this regard, one of the ways to increase farmers' knowledge is Hold training courses about the food security. The statistical population of the study included 25,435 of wheat farmers in three regions of Shoushtar, Dezful and Shoosh Cities in the North of Khozestan province. The statistical sample size was estimated 379 of farmers based on Takmn Table and Finally 237 questionnaires were collected. Method of sampling in this study was simple random. In order to determining of questionnaire validity opinions of Khuzestan Ramin Agriculture and Natural Resources, University faculty, supervisors, engineers, wheat and wheat farmers was used Guttman scale used (range 0-10) respectively. To determine the reliability of the measurement instrument, Cronbach's alpha test for the 30 questionnaires that were completed in Branch Using SPSSwin16 software was used alpha levels were within acceptable limits. After completion of the questionnaire, the questionnaire was designed to describe data encryption and data analysis was performed using statistical software Spss win16. The results showed that the farmers of the class associated with the quantity of classes are associated with health product Also according to the results of the investigation to attend training - not promotional in knowledge, attitudes and behavior of farmers in food security, create a significant difference.

Keywords: training knowledge advocacy, food security, wheat, Khuzestan